تجربه ی توانمندسازی زنان جامعه ی هند

شقایق نوروزی؛ پژوهشگر میز زنان مرکز آینده‌پژوهی جهان اسلام



یکی از معیارهای مهم و اساسی که بر مبنای آن می‌توان به قدمت فرهنگ، تاریخ و تمدن جامعه‌ای پی برد، جایگاه و ارزش زنان است. با مطالعهٔ تاریخ هند به این نتیجه می‌رسیم که تا برهه‌ای از تاریخ، زنان از حقوق برابر با مردان برخوردار نبودند. در واقع، حضور انگلیسی‌ها در جامعهٔ هند و تلاقی دو فرهنگ متفاوت با یکدیگر باعث ارتقای جایگاه زنان شد. از سوی دیگر، آموزه‌های مهاتما گاندی، رهبر سیاسی و معنوی جامعهٔ هند، مردان و زنان را در راه آزادی از استعمار امپراتوری بریتانیا هدایت و رهبری می‌کرد. علاوه بر آنکه زنان جامعهٔ هند در مشاغلی همچون پرستاری، دبیری، پزشکی و مهمانداری هواپیما استخدام شدند، در امور سیاسی و پارلمان نیز حضور و مشارکت چشمگیری دارند. طی بهبود وضعیت و جایگاه اجتماعی و اقتصادی زنان جامعهٔ هند، توجه به ازبین‌بردن میزان بی‌سوادی، خشونت خانگی علیه زنان و نابرابری در دریافت دستمزد، به‌منظور فراهم‌نمودن شرایط مناسب برای فعالیت زنان، در دستورکار قرار گرفت. در گذشته، زنان هند در بسیاری از بخش‌های جامعه حضور و مشارکت نداشته و جامعه از وجود آن‌ها بی‌بهره بود؛ در حالی‌که امروزه، زنان در قیاس با گذشته، از آزادی لازم به‌منظور مشارکت در عرصه‌های گوناگون اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و تصمیم‌گیری در ارتباط با موضوعات و مسائل شخصی برخوردار هستند. به‌طور کلی، زنان از ظرفیت و پتانسیل بسیاری برای حضور و مشارکت در فعالیت‌های گوناگون اقتصادی و اجتماعی برخوردار هستند. در بسیاری از موارد، توانایی و قابلیت زنان نادیده گرفته می‌شود و جوامع از این توانایی‌ها برای بهبود و ارتقای کیفیت زندگی آن‌ها بهرهٔ لازم را نمی‌برند.

در برنامه‌ریزی‌های مرتبط با توسعه باید توجه ویژه‌ای به زنان در این فرایند صورت گیرد. مطابق با نظریات اندیشمندان توسعه، بسیاری از زنان علی‌رغم برخورداری از توانایی و پتانسیل‌های لازم برای حضور و فعالیت در عرصه‌های گوناگون، در

مشاغلی با دستمزدهای اندک اشتغال دارند. برای حل این مسئله، در دیدگاه‌های توسعه، رویکرد توانمندسازی و مشارکت زنان در فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی و سیاسی یکی از مؤلفه‌های اساسی توسعهٔ پایدار در نظر گرفته شده است. طی فرایند توانمندسازی، بسیاری از زنان و گروه‌های آسیب‌پذیر، پذیرش و تاب‌آوری و مواجهه با مسائل و مشکلات را فرامی‌گیرند و برای بهبود کیفیت زندگی خود تلاش می‌کنند. هدف رویکرد توانمندسازی کمک به گروه‌های آسیب‌پذیر به‌ویژه زنان است. زنان طی این فرایند، از مهارت‌ها و توانایی‌های خود شناخت کسب کرده و آن‌ها را ارتقا می‌دهند. در کشورهای در حال توسعه، زنان به‌عنوان نیمی از جمعیت کشور، علی‌رغم برخورداری از توانایی‌های گوناگون، از آموزش‌های لازم برای ارتقای توانمندی‌های شخصی به‌منظور حضور و مشارکت مؤثر در فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، به‌ویژه حوزهٔ اشتغال، محروم هستند. همچنین، اغلب آن‌ها در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های مرتبط با توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی نادیده گرفته می‌شوند و به‌عنوان گروه‌های آسیب‌پذیر با مسائل و مشکلات عدیده‌ای همچون عدم برخورداری از پایگاه اجتماعی و اقتصادی معین مواجه هستند. بی‌توجهی به نقش زنان در سطح سیاست‌های کلان جامعه و تخصیص منابع باعث عدم موفقیت برخی برنامه‌های توسعه خواهد شد.

بنابر اصول و سیاست‌های رویکرد توانمندسازی، آموزش، یکی از ابزارهای مهم شناختِ قابلیت‌ها و پتانسیل‌های زنان و نیز ارتقای مهارت‌ها و اعتمادبه‌نفس آنان به‌منظور مشارکت همه‌جانبه و فراگیر در فرایند توسعه است. مطابق با بیانیهٔ جهانی حقوق بشر، همهٔ افراد، فارغ از هرگونه ویژگی‌های جنسیتی و قومی و نژادی، باید از آموزش بهره‌مند شوند. در برخی از مناطق دنیا زنان، نسبت به مردان، آموزش رسمی کمتری دریافت می‌کنند و در اغلب موارد، توانایی و قابلیت‌های زنان، همچون مکانیسم‌های مقابله با بحران، ناشناخته باقی می‌مانند. هرگونه تغییر در جایگاه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی زنان مستلزم تدوین برنامه و سیاست‌های اجرایی است که دسترسی زنان به منابع امرار معاش را تسهیل می‌نماید و آگاهی اجتماعی آن‌ها را به‌واسطهٔ برنامه‌های آموزشی کارآمد و به‌کارگیری وسایل ارتباط‌جمعی افزایش می‌دهد. علاوه بر آن، ارتقای جایگاه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی زنان بستر مناسبی برای تعامل و ارتباط با سایر گروه‌ها ایجاد می‌کند که در نهایت به تصمیم‌گیری درست و صحیح در ارتباط با مسائل شخصی منجر خواهد شد. از سوی دیگر، به‌کارگیری برنامه‌ها و سیاست‌های ذکرشده می‌تواند موفقیت برنامه‌های بلندمدت جمعیتی را که توسط دولت‌ها در زمان‌های مختلف به کار گرفته می‌شود، تضمین نماید. در واقع، برنامه‌های جمعیتی که در ذیلِ برنامه‌های توسعهٔ پایدار تهیه و تدوین می‌شوند، زمانی کارآمد و موفق خواهند بود که به‌طور هم‌زمان، اقداماتی برای ارتقای جایگاه زنان انجام شود.

توانمندسازی زنان و ارتقای وضعیت سلامت و پایگاه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آن‌ها، به‌ویژه برای دستیابی به توسعهٔ پایدار، بسیار مهم و اساسی است. توانمندسازی اقدامی است که طی آن، افراد از نیازها و تمایلات درونی خود آگاه می‌شوند. افراد طی فرایند توانمندسازی به شناخت و ارزیابی صحیح از ظرفیت‌ها و قابلیت‌های خود می‌پردازند. همچنین طی فرایند توانمندسازی، تمامی افراد جامعه، به‌ویژه زنان، از توانایی‌های لازم به‌منظور غلبه بر محدودیت‌ها و نیز تسلط بیشتر بر منابع و

کسب آن برخوردار خواهند شد.

توانمندسازی زنان به‌عنوان عاملی کلیدی در راه پیشرفت و توسعهٔ جوامع در همهٔ زمینه‌ها و ابعاد در نظر گرفته می‌شود. در اجلاس هزاره که در سال ۲۰۰۰ در نیویورک برگزار شد، توانمندسازی زنان به‌عنوان یکی از اهداف اصلی توسعه تعیین گردید. با بررسی و تحلیل شاخص‌های توسعه و ارزیابی پایگاه اجتماعی و اقتصادی می‌توان نتیجه گرفت که زنان در قیاس با مردان در تمامی اقشار از وضعیت نامناسبی برخوردارند. بیش از نیمی از جمعیت فقیر دنیا را زنان تشکیل می‌دهند که در فقر زندگی می‌کنند. به‌بیان دیگر، در حالی که ۵۰ درصد از کل غذای دنیا توسط زنان تولید می‌شود، درآمد آن‌ها بسیار اندک است. دسترسی زنان به منابع درآمد و مالکیت اموال بسیار کمتر از آن چیزی است که مردان دارا هستند. همچنین، حضور و مشارکت زنان در امور سیاسی، اجتماعی و اقتصادی اغلب توسط مردان محدود شده است. طی سالیان گذشته، حضور نمایندگان زن در میان اعضای پارلمان و قوهٔ مقننه و نیز مشارکت در امور سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در سرا سر دنیا افزایش یافته است؛ برای مثال، در هند، سازمان‌های مرتبط با کارآفرینی و توانمندسازی زنان، برای زنان به‌ویژه آنانی که سرپرست خانوارند، فرصتی برای حضور و مشارکت فراهم آورده است. در طول سالیان گذشته، در جامعهٔ هند، برای زنان امکان مبارزه با بی‌عدالتی‌ها، به‌دلیل تدوین سیاست‌گذاری‌ها توسط مردان و با توجه به نیازها و تمایلات آن‌ها فراهم نبود. گروه‌های خودیاری در مناطق روستایی، بستر فعالیت‌های گوناگون و متنوعی را با هدف توانمندسازی زنان به‌منظور مواجهه با مسائل و مشکلاتی همچون خشونت خانگی را ایجاد کرده‌اند. این گروه‌های خودیاری فرصت‌های شغلی برای انبوهی از بی‌سوادان و گروه‌های قومی که سرکوب شده‌اند، فراهم نمودند. همچنین دریافتند که توانمندسازی زنان، به‌ویژه زنان روستایی و آسیب‌پذیر، اقدامی زمان‌بر و همراه با پشتکار جدی است. دانش یگانه منبع مهمی است که مردم به‌ویژه زنان را از فقر نجات می‌دهد و آن‌ها را توانمند می‌سازد. جامعهٔ مبتنی بر دانش تلاش می‌کند در تمامی بخش‌ها دانش را با هدف توانمندسازی و افزایش میزان مشارکت شهروندان خود در امور سیاسی، اجتماعی و اقتصادی به کار گیرد. جامعهٔ دانش‌بنیان نیازمند توزیع قدرت در تمامی سطوح جامعه و میان کنشگران کلیدی و گروه‌های مختلف جامعه است. ترویج فرهنگ کارآفرینی میان زنان به توانمندسازی اقتصادی زنان منجر می‌شود. از منظر اقتصادی، بانوی کارآفرین از بانویی که صرفاً فعالیت می‌کند، توانمندتر است؛ زیرا کارآفرینی به زنان، علاوه بر اختیار و کنترل بر منابع و دارایی‌ها، قدرت انتخاب و تصمیم‌گیری می‌دهد. به‌واسطهٔ ترویج رویکرد کارآفرینی و توانمندسازی زنان، علاوه بر رشد فعالیت اجتماعی و اقتصادی شخص کارآفرین، بسیاری از زنان جامعهٔ محلی، مشغول به کار و توانمند خواهند شد.

زنان نسبت به مردان معمولاً تحرک جغرافیایی و مکانی اندکی دارند؛ به‌ویژه افرادی که به‌تازگی ازدواج کرده‌اند. این زنان می‌توانند مهارت‌های شخصی خود را شناسایی کنند و از منابع محلی موجود برای شروع کسب‌وکار خود استفاده نمایند. با وجود اینکه بسیاری از زنان جامعهٔ هند باسواد هستند، از آموزش‌های لازم و مرتبط با اشتغال و فعالیت‌های اقتصادی بی‌بهره‌اند. اگرچه نابرخورداری از مهارت‌های لازم به‌منظور اشتغال و استخدام در مراکز صنعتی مانع از حضور و مشارکت زنان شده است،

بسیاری از آن‌ها از طریق ساخت صنایع دستی یا تولید مواد غذایی همچون تهیهٔ ترشی و مربای خانگی می‌توانند سود کسب کنند.

از دیدگاه چمبرز[1] فقر عامل اصلی و تعیین‌کنندهٔ میزان مشارکت یا عدم مشارکت گروه‌های آسیب‌پذیر به‌ویژه زنان در امور جامعه است. عدم توانایی فقرا در پرداخت هزینه‌های گزاف زندگی به انزوا و به‌حاشیه‌رانده‌شدن آن‌ها منجر خواهد شد. همان طور که در مبحث تلهٔ محرومیت چمبرز اشاره شد، دسته‌ای از موانع در کنار هم باعث تشدید فقر در جامعه می‌شوند که رویکرد توانمندسازی در راستای نابودی این تله تدوین شده است. ازبین‌بردن انزوا و گوشه‌گیری فقرا هدف اصلی توانمندسازی بیان شده است؛ زیرا یکی از اصول اساسی و مهم رویکرد توانمندسازی، مشارکت فراگیر و گستردهٔ همهٔ گروه‌های جامعه در نظر است؛ در صورتی که انزوا به گوشه‌گیری و درحاشیه‌بودن دلالت دارد.

رویکردهای سیاسی به توانمندسازی زنان هند

بانک ملی هند به‌منظور توسعهٔ روستایی و کشاورزی پنج رویکرد مبتنی بر نیازهای اساسی و الویت‌های اقتصادی و اجتماعی را فهرست کرده است.

رویکرد رفاهی

مطابق با این رویکرد، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری برای زنان، به‌عنوان نیمی از کنشگران جامعه، یکی از اهداف اصلی توسعه محسوب می‌شود. زنان، ذی‌نفعان برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها هستند؛ اما کنشگران فعال در عرصهٔ توسعهٔ اجتماعی و اقتصادی نیستند.

رویکرد کارآمدی

مطابق با این رویکرد، زنان نه‌تنها ذی‌نفعان، بلکه یکی از عاملان اصلی توسعه در نظر گرفته می‌شوند. توسعه زمانی پایدار خواهد بود که زنان حضور و مشارکت فعال در این فرایند داشته باشند. پیش‌فرض این رویکرد مبتنی بر آن است که اگر زنان در فرایند توسعهٔ پایدار مشارکت کنند، قابلیت‌ها و توانمندی‌هایشان رشد خواهد کرد.

رویکرد برابری

بر اساس این رویکرد، لزوم برابری پایگاه اجتماعی و اقتصادی زنان در الویت قرار می‌گیرد. برابری به افزایش قدرت تصمیم‌گیری و انتخاب برای زنان و افزایش مشارکت آن‌ها در امور سیاسی، اجتماعی و اقتصادی منجر خواهد شد.

رویکرد توانمندسازی

پیش‌فرض اساسی این رویکرد مبتنی بر آن است که توانمندسازی زنان نیازمند وجود منابع و فرصت‌های برابر برای مردان و زنان است. فرصت‌های برابر به شکوفایی استعدادها و قابلیت‌های زنان و خودکفایی هرچه بیشتر آن‌ها و در نهایت توانمندسازی

1. Chambers

آن‌ها منتهی می‌شود.

رویکرد توسعه و جنسیت

به‌کارگیری ظرفیت‌ها و قابلیت‌های زنان با هدف رسیدن به توسعهٔ پایدار مورد توجه این رویکرد است. فراهم‌نمودن منابع و امکانات لازم در برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری و اجرای برنامه‌ها به دستیابی به سطح مطلوبی از توسعه خواهد انجامید.

شاخص‌های توانمندسازی را می‌توان در دو سطح فردی و کلان تقسیم نمود:

سطح فردی	سطح کلان
مشارکت در فرایند تصمیم‌گیری	افزایش تعداد نمایندگان زن
توانایی جلوگیری از خشونت	حضور و مشارکت زنان در طرح‌های توسعه
اعتمادبه‌نفس	آگاهی زنان از حقوق سیاسی و اجتماعی خود
عزت نفس	ایجاد مراکز و سازمان‌های مرتبط با امور زنان
بهبود وضعیت بهداشت و سلامت	
تغذیه	

بنابر موارد ذکرشده، می‌توان نتیجه گرفت که بهبود وضعیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی به ارتقای جایگاه زنان در جامعه منجر می‌شود. از سوی دیگر، ارتقای عزت نفس و اعتمادبه‌نفس زنان به آگاهی آن‌ها از حقوق سیاسی و اجتماعی خود و ایجاد علاقه و انگیزه به‌منظور حضور و مشارکت در مناصب سیاسی و اجتماعی و به‌کارگیری قابلیت‌ها و توانمندی زنان در عرصه‌های گوناگون منتهی خواهد شد.

بنابر شواهد موجود، زنان، اغلب، درآمد خود را برای بهبود و ارتقای رفاه خانواده در زمینه‌هایی همچون آموزش دختران و سلامت صرف می‌کنند. حضور زنان در عرصه‌های گوناگون و افزایش تعاملات آن‌ها با سایر گروه‌ها در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در سطح کلان، اثری مثبت بر نقش و جایگاه آن‌ها در درون خانواده گذاشته است. آن‌ها نقش اساسی در تصمیم‌گیری‌ها و مدیریت بحران‌ها دارند.

در جامعهٔ سنتی هند، تمایل ذاتی به دارابودن فرزند پسر به دلایلی همچون نقش آن‌ها به‌عنوان نان‌آور خانه در آینده و حامی پدر و مادر بودن در دوران سالمندی وجود داشت. از سوی دیگر، فرزندان دختر در جامعهٔ هند از بدو تولد تا هنگام مرگ با اشکال گوناگون تبعیض همچون خشونت خانگی مواجه بودند. نکتهٔ قابل‌توجه آن بود که اگر فرزند دختر در خانوادهٔ فقیر متولد می‌شد، میزان تبعیض بسیار بیشتر بود. سابقهٔ طولانی وجود خشونت خانگی، تبعیض، عدم دسترسی به خدمات بهداشت و سلامت، کمبود آموزش و تغذیهٔ نامناسب، مسئلهٔ توانمندسازی زنان را دشوار کرده بود. می‌توان نتیجه گرفت فقر فرهنگی و اقتصادی مهم‌ترین مانع توانمندسازی زنان در جامعهٔ هند بوده است. در نیمهٔ دوم قرن ۲۰ یکی از الویت‌های مهم توسعهٔ

پایدار جامعهٔ هند اتخاذ رویکردی به‌منظور توانمندسازی زنان و گروه‌های آسیب‌پذیر در تدوین برنامه‌ها و سیاست‌ها بوده است. پس از استقلال کشور هند در سال ۱۹۴۷ و پایان دوران استعمار آن‌ها، تمرکز ویژه‌ای در برنامه‌ها و سیاست‌های توسعه به پیش‌بینی و تدوین اقداماتی برای بهبود وضعیت زنان صورت گرفته است. طی چند دههٔ گذشته، تغییرات چشمگیری در رویکردهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعهٔ هند از مفهوم رفاه به توانمندسازی رخ داده است. در حال حاضر، در جامعهٔ هند توجه ویژه‌ای به‌منظور فراهم‌نمودن فضایی با تاکید بر حضور همهٔ زنان در تصمیم‌گیری‌ها و مشارکت در تدوین برنامه‌ها و سیاست‌ها برای بیان دغدغه‌ها و مشکلات آن‌ها شکل گرفته است. به همین منظور، دولت هند ده برنامهٔ پنج‌ساله، به‌منظور افزایش قابلیت‌ها و توانمندی زنان در زمینه‌های گوناگون و نیز حضور و مشارکت آن‌ها در امور سیاسی، اجتماعی و اقتصادی تهیه و تدوین کرده است.

برنامهٔ اول پنج‌ساله (۵۶-۱۹۵۱)

طی این برنامه، مجموعه‌ای از خدمات و اقدامات رفاهی برای زنان پیش‌بینی و تدوین شده بود. تأسیس چندین مرکز رفاهی و برنامه‌های توسعهٔ اجتماع‌محور، نمونه‌هایی از این اقدامات بودند.

برنامهٔ دوم پنج‌ساله(۶۱-۱۹۵۶)

مطابق با این برنامه، رویکرد توسعهٔ کشاورزی گسترده مورد توجه قرار گرفت. همچنین، رویکردهای رفاهی متنوعی نیز دنبال شد.

برنامهٔ سوم پنج‌ساله (۶۶-۱۹۶۱)

در این برنامه، آموزش زنان یکی از اقدامات مهم رفاهی مورد حمایت بود. الویت این برنامه، ارائهٔ خدمات رفاهی، بهداشت و سلامت برای زنان، به‌ویژه زنان روستایی، و برگزاری کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی فشرده بوده است.

برنامهٔ چهارم پنج‌ساله (۷۴-۱۹۶۹)

در برنامه‌ها و سیاست‌ها همچنان تاکید ویژه‌ای بر آموزش زنان به‌منظور افزایش قابلیت‌ها و توانمندی‌های افرادی که نیازمند کسب درآمد بودند، صورت گرفت.

برنامهٔ پنجم پنج‌ساله (۸۰-۱۹۷۵)

در سال ۱۹۷۶ دفتر رفاه و توسعهٔ زنان، وابسته به وزارت رفاه اجتماعی، در هند تأسیس شد. این اقدام نقطهٔ عطفی در تاریخ سیاسی جامعهٔ هند، به‌دلیل تمرکز ویژه بر تدوین و اجرای برنامه‌ها و سیاست‌های مرتبط با امور زنان در توسعهٔ پایدار بوده است.

برنامهٔ ششم پنج‌ساله(۸۵-۱۹۸۰)

تغییر نگرشی اساسی در برنامه‌ها و سیاست‌های توسعه از رویکرد رفاه به توانمندسازی صورت گرفته است. پیش‌فرض این برنامه مبتنی بر آن بوده است که فقدان دسترسی زنان به منابع و فرصت‌های برابر، توانمندسازی آن‌ها و فرایند توسعه را به تعویق می‌اندازد.

برنامهٔ هفتم پنج‌ساله (۹۰-۱۹۸۵)

طی این برنامه، ارائهٔ فرصت‌های برابر با هدف توانمندنمودن زنان در عرصه‌های گوناگون عملیاتی شد. برای اولین بار، تاکید ویژه‌ای بر ابعاد کیفی توانمندسازی همچون ارتقای آگاهی زنان در ارتباط با حقوق اولیهٔ آن‌ها، برگزاری کارگاه‌های آموزشی به‌منظور افزایش مهارت‌های آن‌ها صورت گرفت.

برنامهٔ هشتم پنج‌ساله (۹۵-۱۹۹۰)

رویکرد توانمندسازی زنان، به‌ویژه در سطوح ابتدایی، مورد توجه قرار گرفت.

برنامهٔ نهم پنج‌ساله (۲۰۰۲-۱۹۹۷)

طی این برنامه، استراتژی‌ای تدوین گردید که مطابق با آن، ۳۰ درصد تمامی برنامه‌ها و سیاست‌هایی که تدوین می‌شد، می‌بایست به برنامه‌های مرتبط با امور زنان اختصاص می‌یافت.

برنامهٔ دهم پنج‌ساله(۲۰۰۷-۲۰۰۲)

هدف از تدوین این برنامه، اجرای سیاست ملی توانمندسازی زنان و تضمین رویکرد حفاظت و صیانت از حقوق گروه‌های آسیب‌پذیر به‌ویژه زنان بوده است.

آگاهی زنان جامعهٔ هند از مسئلهٔ توانمندسازی به شکل‌گیری بینشی در ارتباط با اهمیت نقش و وظایف کارکردی آن‌ها در توسعهٔ سیاسی، اجتماعی و اقتصادی منجر شده است. کاهش حجم کاری زنان در درون و بیرون از خانه به شناسایی قابلیت‌ها و مهارت‌های شخصی زنان و نقش‌هایی که می‌توانند در راه توسعهٔ پایدار ایفا نمایند، منجر شده است. در این فرایند، تاکید ویژه‌ای بر کاهش مدت ساعت کاری و اضافه‌کردن ارزش مقدار ساعت کاری زنان شده است. آموزش مداوم و جامع زنان باعث ترغیب و توانمندسازی آن‌ها برای دنبال‌نمودن فعالیت‌های اقتصادی و کناره‌گیری از انجام کار خانگی تمام‌وقت شد.

همان طور که نتایج تحقیقات نشان داده‌است، با تدوین و اجرای برنامه‌ها و سیاست‌های توانمندسازی در راستای اهداف توسعهٔ پایدار، زنان به‌عنوان عاملی مهم و اثرگذار در کاهش فقر در نسل کنونی و مانع از انتقال آن به نسل آینده شناخته شده‌اند.

منبع:

Empowerment of Women: A Conceptual Framwwork(2015), The International Journal of Indian Psychology